

مقایسه سبک‌های هویتی در میان زنان متعهد و غیرمتعهد شهر تهران

مهری بهارلو*

سیدمحمد کلاتر کوشه**، یحیی مهاجر***

چکیده

با توجه به این‌که تعهد زنان به زندگی زناشویی تأثیر به‌سزایی در تداوم خانواده دارد، پژوهش حاضر به مقایسه سبک‌های هویتی در دو گروه از زنان متعهد و غیرمتعهد پرداخته است. بدین منظور ده نفر از زنان غیرمتعهد بازداشت‌شده در ندامت‌گاه فردیس و ده نفر از زنان متعهد مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره آوین به‌صورت هدف‌مند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای مطالب یادداشت‌شده استفاده شد. بر اساس یافته‌های پژوهش درباره شاخص‌های تعیین‌کننده سبک هویت، یعنی نگرش‌های مذهبی، سیاسی، شغلی و نیز توصیف خود، روش تصمیم‌گیری، هدف و برنامه و نگاه به آینده، احساس در تصمیم‌گیری‌های مهم، انتخاب دوستان و نگاه به جنسیت، میان دو گروه زنان متعهد و غیرمتعهد تفاوت‌هایی مشاهده شد. با توجه به خصوصیات مذکور و فراوانی آن‌ها نتیجه گرفته می‌شود که سبک هویت غالب در زنان غیرمتعهد در این پژوهش، سبک اجتنابی/ سردرگم و در زنان متعهد، سبک هویتی اطلاعاتی است.

کلیدواژه‌ها: تعهد، سبک هویت اجتنابی/ سردرگم، اطلاعاتی، هنجاری، فرازناشویی.

* دانش‌جوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

Brida393@yahoo.com

** استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی

kalantarcounseling@gmail.com

*** استادیار گروه روان‌سنجی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی

Yahya_mohajer@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۵

۱. مقدمه

خانواده یکی از ارکان اصلی جامعه به شمار می‌رود. دستیابی به جامعه سالم آشکارا در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم، مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن روابط مطلوب با یکدیگر است. از این رو، سالم‌سازی اعضای خانواده و روابطشان بی‌گمان در جامعه آثار مثبتی بر جای خواهد گذاشت. در حقیقت، خانواده با پیمان ازدواج آغاز می‌شود. پس از این پیمان، بیش‌تر افراد از خود و همسرشان انتظار دارند که در طول زندگی مشترک از نظر جنسی و عاطفی به هم وفادار بمانند، اما روابط خارج از حیطه زناشویی هم برای زنان و هم برای مردان اتفاق می‌افتد و نرخ وقوع آن بر اساس نمونه‌گیری و تعریف آن متفاوت است (اکبری و دیگران، ۱۳۹۰). به باور شرود (۲۰۰۸)، ازدواج سالم به معنی حضور چندین عنصر، مانند تعهد، رضایت از زناشویی و ارتباط با یکدیگر و نبود عواملی نظیر خشونت و خیانت است. هم‌چنین در تحقیقات متعددی به این موضوع پی برده‌اند که تعهد زناشویی همسران پیش‌بینی‌کننده مهم ازدواج‌های پایدار و رضایت‌بخش است (هیو و هم‌کاران، ۲۰۰۷).

در حوزه روابط خارج از زناشویی با دو واژه سر و کار داریم که عبارت‌اند از: extramarital یا همان فرازناشویی و infidelity که با عنوان خیانت به کار می‌رود. بر اساس تعریف ارائه‌شده در فرهنگ لغت مریام وبستر (۲۰۰۹)، هر دو عبارت به مفهوم تخلف از عهد و پیمان زناشویی، به‌ویژه برقراری رابطه جنسی خارج از زناشویی است. در این فرهنگ لغت تصریح شده است که واژه خیانت از دیرباز در این حوزه به کار می‌رفته، اما واژه فرازناشویی نخستین‌بار در سال ۱۹۲۵ به کار رفته است. در این پژوهش، دو واژه به جای هم به کار رفته‌اند و منظور برقراری رابطه خارج از زناشویی بدون اطلاع همسر است. گلس و رایت (۱۹۹۲) روابط فرازناشویی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: جنسی، احساسی، و احساسی - جنسی.

نتایج تحقیقی که در پانزده استان کشور انجام شده است نشان می‌دهد که خیانت علت ۶۷٪ قتل مردان به دست همسرانشان بوده است، ۳۳٪ مردان نیز با واکنش در برابر خشونت، حمله ناگهانی و تهدید همسر روبه‌رو بوده‌اند (اکبری و دیگران، ۱۳۹۰). بر اساس آمار ارائه‌شده، اهمیت روابط فرازناشویی در فروپاشی کانون خانواده کاملاً مشخص است؛ بنابراین به نظر می‌رسد بررسی این مقوله درباره زنان نیز اهمیت بسیاری دارد. از طرف دیگر، هویت و سبک هویت از جمله موضوعاتی است که امروزه مد نظر روان‌شناسان،

جامعه‌شناسان، و سیاست‌مداران است؛ به گونه‌ای که هریک به تبع ارتباطشان با این موضوع به آن می‌پردازند. آنچه برای روان‌شناسان اهمیت دارد ثبات هویت افراد، کسب هویت موفق، و گذر موفقیت‌آمیز از بحران هویت است (گیدنس، ۱۳۹۲).

بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV) هویت عبارت است از میزان وضوح فرد درباره مقولات تشخیصی، از قبیل اهداف طولانی‌مدت، گزینش شغل، الگوی رقابت، رفتار و طرز فکر جنسی مناسب، ارزش‌های اخلاقی، دیدگاه مثبت درباره خود، روحیه تلاش و ابتکار و تنظیم وقت (امیدیان، ۱۳۸۸).

برزونسکی و کوک (۲۰۰۵) الگویی را مطرح کرده‌اند که بر تفاوت در فرایندهای شناختی - اجتماعی جوانان در ساخت، نگه‌داری، و انطباق هویتشان تأکید دارد و این الگوی شناختی - اجتماعی به تفاوت برجسته در درگیری یا اجتناب افراد از تکالیف گوناگون، مانند تصمیم‌گیری، حل مسائل شخصی و موضوعات هویت اشاره می‌کند. این فرایندسازی یا سبک هویت شامل ساز و کارهایی است که اطلاعات و تجارب مرتبط با خود را کدگذاری، پردازش، سازمان‌دهی، و مرور می‌کند. فرایندهای متفاوت فرض شده دست‌کم در سه سطح اطلاعاتی (informational)، هنجاری (normative) و سردرگم/اجتنابی (diffuse/avoidant) به کار می‌روند. بیش‌تر اجزای اساسی آن‌ها شامل پاسخ‌های شناختی - رفتاری خاصی است که افراد در زندگی روزمره‌شان به کار می‌برند. مدل سبک هویت برزونسکی (۱۹۸۶) بیان می‌کند که افراد برای اداره کردن موقعیت‌های روزانه از یکی از سه سبک مذکور استفاده می‌کنند.

سبک هویتی اطلاعاتی ظاهراً سازگارانه‌ترین سبک است و در واقع استراتژی حل مسئله یا مکانیسم اداره موقعیت‌های روزانه است. اکتشاف‌های فعال یا تعهد منعطف نیاز برای شناخت و سطح بالایی از خودپنداری است. در حالی که سبک هنجاری بر اساس تقلید و تبعیت از افراد مهم زندگی فرد بنا شده است و شامل دیدگاه‌های بسته ذهنی، تعهد غیرمنعطف و خودپنداره‌ای ثابت و سرکوب‌کننده اکتشاف است. این افراد از برخورد با اطلاعاتی که با خودپنداره‌شان تعارض دارد اجتناب می‌کنند و در صورت امکان در مقابل تغییرات مقاومت می‌کنند.

در این باره سبک اجتنابی/ سردرگم با دو سبک دیگر متفاوت است و در واقع سمبل برخورد طفره‌آمیز و مسامحه در مشکلات است؛ استراتژی‌ای است متمرکز بر هیجان که با سطح پایینی از تعهد، اعتماد به نفس، و بی‌ثباتی خودپنداره همراه است. این افراد معمولاً توجه کمی به آینده یا نتایج طولانی‌مدت انتخاب‌هایشان دارند.

اسپانیر و مارگولیس (۲۰۱۰) در تحقیقاتشان به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه فرازناشویی بیش‌تر بر اثر مشکلات ازدواج اتفاق می‌افتد و دلیل مشکلات ازدواج نیست و بی‌عدالتی و بی‌انصافی همسر و کمبود عاطفی (بیش‌تر درباره زنان) را دلیل مشکلات ازدواج گزارش کرده‌اند. همین‌طور شاه‌سیاه و هم‌کاران (۱۳۸۸) در تحقیقاتشان به این نتیجه رسیدند که میان رضایت جنسی و تعهد زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که فقدان تعهد و برقراری رابطه فرازناشویی بی‌دلیل نیست و در واقع در پی مشکلات و مسائل رابطه زناشویی رخ می‌دهد.

از طرف دیگر با توجه به تعریف سبک‌های هویت درمی‌یابیم که سبک هویت هر فرد نشان‌دهنده این است که او چگونه با مسائل و مشکلات زندگی برخورد می‌کند. به نظر می‌رسد که این روش برخورد و تصمیم‌گیری از مسائل مهم و تعیین‌کننده در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی زناشویی باشد. در این پژوهش در پی این هستیم که چه رابطه‌ای ممکن است میان سبک هویت زنان و مسئله مهمی به نام رابطه فرازناشویی وجود داشته باشد.

۲. روش تحقیق

روش اجرای پژوهش مطالعه کیفی است. محقق پرسش‌ها را به صورت نیمه‌ساختاریافته با استفاده از پرسش‌نامه سنجش سبک هویت برزونسکی (ISI, 1992)، پرسش‌نامه وضعیت هویت بنیون و آدامز (EOM-EIS2, 1986) و پرسش‌نامه بحران هویت احمدی (۱۳۷۶) طرح کرده است. پرسش‌ها بعد از طراحی در چندین نوبت، به کمک شش نفر از استادان صاحب‌نظر گروه مشاوره و روان‌سنجی دانشگاه علامه طباطبایی اصلاح شد؛ به گونه‌ای که همه ابعاد مد نظر محقق را در بر گیرد. سپس با چندین نوبت مراجعه به ندامت‌گاه و مرکز مشاوره، در مصاحبه‌ای پرسش‌ها را برای آزمودنی‌ها مطرح کردند و در ادامه از روش تحلیل محتوا استفاده کردند. از دید کریپندورف (۲۰۰۳) تحلیل محتوا به طبقه‌بندی و مقوله‌بندی عبارت‌ها و توصیف ساختار منطقی آن‌ها و تعیین پیوستگی و معنای ضمنی آن‌ها می‌پردازد. مراحل به کار گرفته‌شده برای تحلیل متن مصاحبه‌ها بر اساس رویکرد تحلیل محتوای موضوعی با روش کریپندورف، شامل گردآوری داده‌ها، ضبط مطالب، تقلیل داده‌ها، استنباط و تحلیل است. در این روش، قبل از تحلیل متن، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده می‌شود تا آشنایی کامل با متن صورت گیرد. عملیات تحلیل بعد از نخستین مصاحبه آغاز و بعد از دو مصاحبه، کار کدگذاری و دسته‌بندی آغاز

می‌شود. به این ترتیب، مراحل زیر در تحلیل داده‌ها به‌دقت دنبال شد؛ مصاحبه‌های یادداشت‌شده سطر به سطر بررسی شدند و جملات معنی‌دار، که با موضوع اصلی پژوهش مرتبط بودند، علامت‌گذاری شدند. مفهوم اصلی جملات معنی‌دار به صورت کد استخراج شده و دسته‌بندی کدها آغاز شد؛ به این ترتیب که کدهایی که مفهوم مشترک داشتند در یک طبقه قرار داده شده و نام‌گذاری شدند. با هر بار مصاحبه جدید، ممکن است طبقه‌های قبلی بازنگری و حتی ادغام شود یا طبقه جدیدی ایجاد شود. به این ترتیب، با تشکیل طبقه‌بندی، تم‌های اصلی مطالعه استخراج و ارتباط بین طبقه‌ها مشخص شد. برای مثال نخستین پرسش دربارهٔ مذهب چنین بود: شما اعتقادات خود را چه به مسائل مذهبی را از کجا و چگونه به دست آورده‌اید؟ این اعتقادات چقدر برای شما روشن است و چقدر به آن‌ها پای‌بندید؟ بنابراین، کدگذاری محوری به منزلهٔ نگرش مذهبی در نظر گرفته شد. بعد از خواندن پاسخ‌ها و بررسی آن‌ها، پاسخ‌های مشابه کنار یک‌دیگر قرار داده شد و به این ترتیب سه طبقه اصلی در نظر گرفته شد. برخی از پاسخ‌ها به این پرسش در میان زنان متعهد به شرح زیر است: ۱. در این باره زیاد فکر می‌کنم. قرآن و کتاب‌های مذهبی می‌خوانم؛ ۲. نمی‌دانم. گاهی وقت‌ها رفتار مذهبی دارم، ولی گاهی خسته می‌شوم و آن را کنار می‌گذارم؛ ۳. رفتار مذهبی ندارم، روش خاص خودم را در رعایت یک‌سری اصول دارم.

با توجه به جملاتی از این دست، کدگذاری باز به سه حالت تمایل به مذهب به صورت انتخابی، مبهم و فقدان تمایل به مذهب به صورت انتخابی در نظر گرفته شد. همین روند، یعنی کدگذاری محوری و باز، دربارهٔ بقیهٔ شاخص‌های تعیین‌کنندهٔ هویت، که در پرسش‌ها گنجانده شده بود، انجام شد و نتایج کار در جداول مربوط آورده شد. در ادامهٔ کار فراوانی هر طبقه و درصد آن با توجه به تعداد کل افراد بررسی شده در هر گروه محاسبه شد و بعد از آن، با توجه به اطلاعات جدول‌ها، نتیجه‌گیری‌های لازم انجام شد. با توجه به این‌که امکان آوردن تمامی جداول وجود نداشت، جداول مربوط به فراوانی و درصد آورده شد و در پایین هر جدول نمونه‌ای از جملات، که کدگذاری بر اساس آن‌ها صورت گرفته بود، آورده شد.

۳. جامعه و نمونه آماری

این پژوهش بر روی دو گروه از زنان انجام گرفت. در گروه نخست زنانی قرار داشتند که به جرم رابطهٔ فرازناسویی در ندامت‌گاه شهر فردیس به سر می‌بردند و گروه دوم

زنانی بودند که به دلیل مشکلات زندگی زناشویی‌شان به مرکز مشاوره مراجعه کرده بودند. نمونه‌گیری به روش هدف‌مند صورت گرفت؛ یعنی با مراجعه به ندامت‌گاه و مرکز مشاوره نمونه‌ای که با پژوهش مطابقت داشت انتخاب شد. نمونه در این پژوهش شامل ده زن، که رابطه فرازناشویی داشته‌اند، و ده زن، که چنین رابطه‌ای نداشته‌اند، است. برای هم‌سان‌سازی دو گروه، زنان ۲۰ تا ۴۰ ساله‌ای که در ده سال نخست ازدواج خود به سر می‌بردند، انتخاب شدند. به دلیل محدودیت‌های نمونه‌گیری از زنان غیرمتعهد، هم‌سان‌سازی درباره طبقه اجتماعی و تحصیلات به صورت دقیق نمی‌توانست انجام بگیرد، اما وجه مشترک مهم در میان این دو گروه این بود که همه درگیر مشکلات ارتباطی با همسرشان بودند و نمونه‌هایی که در آن‌ها رابطه فرازناشویی به دلایل دیگر، برای مثال فریب یا اخاذی، اتفاق افتاده بود کنار گذاشته شدند. در واقع نوع برخورد افراد بررسی شده با همین مشکلات و ارتباطشان با سبک هویت موضوع مد نظر ما بوده است.

۴. تحلیل داده‌ها

در این قسمت جداول مقایسه‌ای فراوانی و درصد شاخص‌های سبک هویت در دو گروه زنان متعهد و غیرمتعهد آورده شده است.

جدول ۱. مقایسه نگرش مذهبی در زنان متعهد و غیرمتعهد

فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد		فراوانی و درصد در زنان متعهد		شاخص	
۲	٪۲۰	۳	٪۳۰	تمایل به مذهب انتخابی	مذهب
-	-	۶	٪۶۰	فقدان تمایل به مذهب انتخابی	
۳	٪۳۰	-	-	تمایل به مذهب تقلیدی	
۵	٪۵۰	۱	٪۱۰	مبهم	
۱۰	٪۱۰۰	۱۰	٪۱۰۰	جمع	

با توجه به جدول ۱، درصد بیشتری از زنان متعهد در این پژوهش تمایل نداشتن به مذهب را به صورت انتخابی نشان دادند (بعد از مطالعه و فکر روی این موضوع یک‌سری ارزش‌ها را برای خودم تعیین کرده‌ام که به آن‌ها پای‌بندم، رفتار مذهبی ندارم)؛ در حالی که در زنان غیرمتعهد در این پژوهش، درصد بسیاری در این باره دچار ابهام و سردرگمی بودند (به نتیجه مشخصی نرسیده‌ام).

جدول ۲. مقایسه نگرش سیاسی در زنان متعهد و غیرمتعهد

شاخص		فراوانی و درصد در زنان متعهد		فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد	
نگرش سیاسی	تمایل به فعالیت سیاسی	۷	٪۷۰	۱	٪۱۰
	تمایل نداشتن به فعالیت سیاسی	۲	٪۲۰	۳	٪۳۰
	مبهم	۱	٪۱۰	۶	٪۶۰
	جمع	۱۰	٪۱۰۰	۱۰	٪۱۰۰

با توجه به جدول ۲، درصد بیشتری از زنان متعهد در این پژوهش به فعالیت سیاسی تمایل داشتند (اخبار را دنبال می‌کنم و در انتخابات شرکت می‌کنم)؛ در حالی که درصد زیادی از زنان غیرمتعهد در این پژوهش در این باره دچار ابهام بودند (اطلاعات خاصی درباره مسائل سیاسی ندارم و درباره اش فکر نکرده‌ام).

جدول ۳. مقایسه علاقه و انتخاب شغل در زنان متعهد و غیرمتعهد

شاخص		فراوانی و درصد در زنان متعهد		فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد	
شغل	علاقه و انتخاب شغل	۸	٪۸۰	۲	٪۲۰
	شغل غیرانتخابی	۲	٪۲۰	۸	٪۸۰
	جمع	۱۰	٪۱۰۰	۱۰	٪۱۰۰

با توجه به جدول ۳، درصد بیشتری از زنان متعهد در این پژوهش شغلشان را بر اساس علاقه شخصی انتخاب کرده بودند (خانه‌داری را انتخاب کرده‌ام، چون رسیدگی به امور منزل مهم‌تر از کار بیرون است)؛ در حالی که درصد بیشتری از زنان غیرمتعهد در این پژوهش به شغلشان علاقه‌ای نداشتند (برای این که از شوهرم دور باشم کار می‌کنم).

جدول ۴. مقایسه توصیف خود در زنان متعهد و غیرمتعهد

شاخص		فراوانی و درصد در زنان متعهد		فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد	
توصیف خود	تفکر و فقدان هیجان	۹	٪۹۰	-	-
	موارد دیگر	۱	٪۱۰	۳	٪۳۰
	هیجان و فقدان تفکر	-	-	۷	٪۷۰
	جمع	۱۰	٪۱۰۰	۱۰	٪۱۰۰

با توجه به جدول ۴، درصد زیادی از زنان متعهد در این پژوهش خود را متفکر و به دور از هیجان توصیف کردند (من زنی جدی و منطقی‌ام، معمولاً هیجان‌زده عمل نمی‌کنم)؛

۴۴ مقایسه سبک‌های هویتی در میان زنان متعهد و غیرمتعهد شهر تهران

در حالی که درصد زیادی از زنان غیرمتعهد در این پژوهش خود را هیجانی و غیرمتفکر توصیف کردند (دوست ندارم راجع به مسائل فکر کنم).

جدول ۵. مقایسه هدف و برنامه برای زندگی در زنان متعهد و غیرمتعهد

شاخص		فراوانی و درصد در زنان متعهد		فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد	
هدف و برنامه برای زندگی	هدف‌دار	۹	٪۹۰	۵	٪۵۰
	میهم	۱	٪۱۰	۵	٪۵۰
	جمع	۱۰	٪۱۰۰	۱۰	٪۱۰۰

با توجه به جدول ۵ درمی‌یابیم که درصد بیشتری از زنان متعهد در این پژوهش برای ادامه زندگی‌شان برنامه‌ریزی و هدف معین داشتند (تربیت صحیح فرزندانم و ادامه دادن کار مورد علاقه‌ام)؛ در حالی که نیمی از زنان غیرمتعهد در این پژوهش هیچ برنامه مشخصی نداشتند (هدف خاصی ندارم).

جدول ۶. مقایسه نگاه به آینده در زنان متعهد و غیرمتعهد

شاخص		فراوانی و درصد در زنان متعهد		فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد	
نگاه به آینده	مثبت	۸	٪۸۰	۳	٪۳۰
	منفی	۲	٪۲۰	۷	٪۷۰
	جمع	۱۰	٪۱۰۰	۱۰	٪۱۰۰

با توجه به جدول ۶، درصد بیشتری از زنان متعهد در این پژوهش نگاه مثبتی به آینده داشتند (آینده را خوب می‌بینم و فکر می‌کنم می‌توانم آن را بسازم)؛ در حالی که درصد بیشتری از زنان غیرمتعهد در این پژوهش آینده را مبهم و تاریک می‌دیدند (ترسناک است، نمی‌دانم چه چیزی در انتظارم است).

جدول ۷. مقایسه روش‌های تصمیم‌گیری در زنان متعهد و غیرمتعهد

شاخص		فراوانی و درصد در زنان متعهد		فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد	
روش تصمیم‌گیری در مشکلات	هم‌فکری و مشورت	۹	٪۹۰	۲	٪۲۰
	مشورت و هم‌فکری نکردن	۱	٪۱۰	۸	٪۸۰
	جمع	۱۰	٪۱۰۰	۱۰	٪۱۰۰

با توجه به جدول ۷، درصد بیشتری از زنان متعهد در این پژوهش هنگام تصمیم‌گیری اقدام به مشورت و هم‌فکری می‌کردند (با دوستانم و مشاور صحبت می‌کنم)؛ در حالی که

درصد بیش‌تری از زنان غیرمتعهد در این پژوهش، به دلایل مختلف، مشورت و هم‌فکری نمی‌کردند (معتقدم توان حرف زدن و تبادل نظر ندارم).

جدول ۸. مقایسهٔ احساس در هنگام تصمیم‌گیری در زنان متعهد و غیرمتعهد

شاخص		فراوانی و درصد در زنان متعهد		فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد	
احساس در تصمیم‌گیری‌های مهم	اضطراب و هیجان	۲	۲۰٪	۸	۸۰٪
	آرامش	۸	۸۰٪	۲	۲۰٪
	جمع	۱۰	۱۰۰٪	۱۰	۱۰۰٪

با توجه به جدول ۸ درمی‌یابیم که درصد بیش‌تری از زنان متعهد در این پژوهش هنگام تصمیم‌گیری‌های مهم قادرند آرامششان را حفظ کنند (کمی مضطرب می‌شوم، ولی احساس می‌کنم از پس آن برمی‌آیم)؛ در حالی که درصد بیش‌تری از زنان غیرمتعهد در این پژوهش سطح اضطراب بالایی را تجربه می‌کنند (به‌شدت مضطرب می‌شوم و از آیندهٔ تصمیم‌گیری می‌ترسم).

جدول ۹. جدول مقایسهٔ روش انتخاب دوستان در زنان متعهد و غیرمتعهد

شاخص		فراوانی و درصد در زنان متعهد		فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد	
انتخاب دوستان	ارتباط اتفاقی	۱	۱۰٪	۵	۵۰٪
	انتخاب بر اساس شباهت	۲	۲۰٪	۲	۲۰٪
	انتخاب بر اساس معیار خاص	۷	۷۰٪	۳	۳۰٪
	جمع	۱۰	۱۰۰٪	۱۰	۱۰۰٪

با توجه به جدول ۹، درصد بیش‌تری از زنان متعهد در این پژوهش برای انتخاب دوستانشان معیار خاصی داشتند (باید صادق، اهل تفکر، و تجزیه و تحلیل مسائل باشند)؛ در حالی که درصد بیش‌تری از زنان غیرمتعهد در این پژوهش معیار خاصی برای این کار نداشتند (دوست صمیمی ندارم، در حد آشنایی‌های معمولی است).

جدول ۱۰. جدول مقایسهٔ نگرش به جنسیت در زنان متعهد و غیرمتعهد

شاخص		فراوانی و درصد در زنان متعهد		فراوانی و درصد در زنان غیرمتعهد	
نگاه به جنسیت	مثبت	۸	۸۰٪	۴	۴۰٪
	منفی	۲	۲۰٪	۶	۶۰٪
	جمع	۱۰	۱۰۰٪	۱۰	۱۰۰٪

با توجه به جدول ۱۰، درصد بیش‌تری از زنان متعهد در این پژوهش نگاه مثبتی به جنسیتشان داشتند (زن از مرد قدرت‌مندتر است و می‌تواند مردها را به مسیر خوب یا بد هدایت کند)؛ در حالی که درصد بیش‌تری از زنان غیرمتعهد در این پژوهش به جنسیت نگاه منفی داشتند (زن موجودی ضعیف و بدبخت است).

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی بررسی سبک هویت در میان زنان متعهد و غیرمتعهد است. برای انجام این کار، پرسش‌های نیمه‌ساختاریافته درباره شاخص‌های تعیین‌کننده سبک هویت، در مصاحبه با دو گروه زنان متعهد و غیرمتعهد مطرح شد. درباره شاخص نگرش مذهبی، زنان متعهد در این پژوهش درباره تمایل به مذهب و رفتار مذهبی مطالعه و تفکر کرده بودند و با توجه به اطلاعات به دست آمده از منابع گوناگون، مانند قرآن، کتاب‌های دیگر و رسانه‌ها، ارزش‌های مذهبی و معنوی‌شان را انتخاب کرده و به آن پای‌بند بودند. همان‌طور که از تحقیقات دالینگر و دالینگر (۱۹۹۷) درباره سبک هویت برمی‌آید، افراد با سبک هویت اطلاعاتی درباره مسائل به کسب اطلاعات، تفکر و انتخاب می‌پردازند و هویت برایشان به صورت ارزش‌های من، اهداف من و مواردی از این دست تعریف می‌شود، اما در میان تعداد زیادی از زنان غیرمتعهد، در این باره ابهام وجود دارد؛ یعنی این افراد درباره مذهب و رفتار مذهبی هیچ‌گاه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات، تفکر و تصمیم‌گیری نکرده بودند که با تحقیقات برزونسکی و فراری (۱۹۹۶) درباره افراد با سبک هویت سردرگم هم‌سوست. همچنین، نتایج تحقیقات برزونسکی و کوک (۲۰۰۰) درباره سبک هویت اطلاعاتی، نشان می‌دهد که افراد با سبک هویت اطلاعاتی در پی جست‌وجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها هستند و برای کسب اطلاعات جدید و بازنگری اطلاعات قبلی تمایل نشان می‌دهند. نتایج مذکور با نتایج تحقیق حاضر درباره زنان متعهد هم‌راستا است؛ در زنان متعهد درصد بیش‌تری تمایل به فعالیت سیاسی نشان دادند و ابراز داشتند که آگاهی از مسائل مهم روز برایشان اهمیت دارد. بر اساس نظر برزونسکی، یکی از شاخص‌های مهم در مبحث هویت شغل است. در میان زنان غیرمتعهد در این پژوهش، درصد بسیاری از آن‌ها یا تاکنون درباره شغل مورد علاقه‌شان فکر نکرده بودند یا این‌که برای به دست آوردنش اقدامی نکرده بودند؛ در حالی که درصد بیش‌تری از زنان متعهد شغل بیرون از منزل یا خانه‌داری را بی‌هدف یا به اجبار نپذیرفته بودند و در واقع انتخاب خودشان بود. این مسئله با تحقیقات دالینگر و دالینگر

درباره سبک هویت اطلاعاتی هماهنگی دارد. نتایج تحقیق مذکور نشان می‌دهد که افراد با سبک هویتی اطلاعاتی هدف‌های شغلی مشخصی دارند.

در تحقیق حاضر، بیش‌تر زنان غیرمتعهد در این پژوهش با توجه به گفته‌های خودشان از احساس ناتوانی در کنترل امور، تصمیم‌گیری و اعتماد به نفس پایین رنج می‌برند؛ در حالی که زنان متعهد توصیفی از خود مبنی بر بی‌صبری، عکس‌العمل‌های هیجانی و اجتناب از تفکر ارائه ندادند و در بیش‌تر موارد خود را موجوداتی منطقی، قدرت‌مند در تجزیه و تحلیل و بااراده توصیف کردند که این با نتایج تحقیقات برزونسکی و سالیوان (۱۹۹۲) درباره سبک هویت اطلاعاتی هماهنگی دارد. در این تحقیق گزارش شده است که سبک هویت اطلاعاتی با خوداندیشی، تصمیم‌گیری آگاهانه، خودکاووشی فعال، منبع کنترل درونی و نیاز بالا برای شناخت هم‌بستگی دارد.

درباره شاخص هدف و برنامه برای آینده، مطابق با نتایج به دست آمده، نیمی از زنان غیرمتعهد هدف و برنامه خاصی برای آینده نداشتند و نتوانسته بودند در این زمینه به نتیجه مشخصی برسند که این کاملاً با تحقیقات برزونسکی و فراری (۱۹۹۶) از سبک هویتی سردرگم مطابق است. نتایج تحقیق مذکور نشان می‌دهد که افراد با سبک هویت سردرگم/اجتنابی، اصولاً از تفکر درباره مسائل مهم، مانند هدف و برنامه‌ریزی برای آینده اجتناب می‌کنند و واکنش‌های موقتی در این افراد بیش‌تر از تصمیمات بلندمدت مشاهده می‌شود؛ در حالی که زنان متعهد در این باره سردرگم نبودند و برنامه و هدف مشخصی برای آینده داشتند که این مسئله با نتایج تحقیقات شکری و هم‌کاران (۱۳۸۹) هماهنگی دارد. نتایج تحقیق مذکور نشان می‌دهد که سبک هویت اطلاعاتی با تعهد، استقلال، و هدف در زندگی ارتباط مثبت دارد.

درباره شاخص نگاه به آینده، مطابق نتایج، درصد زیادی از زنان غیرمتعهد نگاه مثبتی به آینده نداشتند و احساس نمی‌کردند که موفقیتی در انتظارشان است که این با نتایج تحقیقات دالینگر و دالینگر درباره سبک‌های هویتی هماهنگی دارد. در تحقیق مذکور، گزارش شده است که سبک هویت سردرگم/اجتنابی با افسردگی رابطه مثبت دارد. یکی از نشانه‌های افسردگی، ناامیدی، بی‌انگیزگی و نگاه منفی به آینده است که در میان زنان غیرمتعهد، این حالت به وضوح دیده می‌شد. بیش‌تر آنان ابراز داشتند که امیدی به آینده ندارند و نمی‌دانند چه چیزی در انتظارشان است؛ در حالی که در میان زنان متعهد، نگاه به آینده مثبت بود و در این باره امیدواری وجود داشت و این با نتایج تحقیقات برزونسکی و کوک درباره سبک هویت اطلاعاتی هماهنگی دارد.

در باره شاخص نوع برخورد و تصمیم‌گیری در مشکلات، مطابق نتایج، درصد زیادی از زنان غیرمتعهد به دلایل گوناگون، برای حل مسائلشان تمایلی به مشورت و هم‌فکری با دیگران نداشتند که این با نتایج تحقیقات برزونسکی و فراری (۱۹۹۶) درباره سبک هویتی سردرگم هماهنگی دارد. در تحقیق مذکور، گزارش شده است که افراد با سبک هویت سردرگم، از گرفتن اطلاعات اجتناب می‌کنند و تصمیم‌گیری‌هایشان معمولاً غیرانطباقی و نادرست است.

در باره شاخص احساس فرد در تصمیم‌گیری‌های مهم، مطابق با نتایج به دست آمده، در بسیاری از زنان غیرمتعهد، اضطراب در حدی بود که قدرت تصمیم‌گیری را از آن‌ها می‌گرفت و این با تحقیقات برزونسکی و نورمی (۱۹۹۷) مطابقت دارد. این محققان به این نتیجه رسیدند که افرادی که سبک هویت سردرگم دارند در برخورد با مسائل دچار اضطراب ناتوان‌کننده می‌شوند و قادر نیستند تصمیم درستی بگیرند. در میان زنان غیرمتعهد، این اضطراب و نگرانی ناتوان‌کننده کاملاً دیده می‌شد؛ به طوری که بیش‌ترشان ابراز داشتند که از عواقب تصمیم‌گیری خود به شدت می‌ترسند و احساس ناتوانی می‌کنند؛ در حالی که در زنان متعهد این حالت دیده نشد و اضطراب در حدی نبود که تصمیم‌گیری را دچار مشکل کند و این با نتایج تحقیقات دالینگر و دالینگر درباره سبک هویت اطلاعاتی مطابقت دارد. نتایج تحقیق مذکور نشان می‌دهد که افراد با سبک هویت اطلاعاتی در برخورد با مسائل، اضطراب تسهیل‌کننده دارند. بیش‌تر زنان متعهد نیز ابراز داشتند که با روش‌های گوناگون قادرند آرامششان را حفظ کنند.

در باره شاخص نگاه به جنسیت، درصد بیش‌تر زنان غیرمتعهد نگاه مثبتی به جنسیتشان نداشتند و خود را موجوداتی توانا و تأثیرگذار نمی‌دانستند که این با نتیجه تحقیقات دالینگر و دالینگر درباره سبک هویت سردرگم هماهنگی دارد. در تحقیق مذکور، ارتباط مثبتی میان سبک هویت سردرگم با عزت نفس پایین گزارش شده است. بی‌شک عزت نفس پایین گویای نارضایتی از خویش است که از جمله می‌توان به جنسیت در این باره اشاره کرد؛ اما در میان زنان متعهد نگاه به جنسیت مثبت بود و بیش‌تر این زنان خود را موجوداتی توانا می‌دانستند که قادرند شرایط محیطی را کنترل کنند. در تحقیقات برزونسکی و کوک گزارش شده است که میان سبک هویت اطلاعاتی و عزت نفس پایین ارتباط منفی وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد در افراد با سبک هویت اطلاعاتی، عزت نفس بالاست و این افراد درباره خود احساس خوبی دارند که یکی از مظاهر آن نگاه مثبت به جنسیت است.

درباره شاخص انتخاب دوستان، در بیش‌تر زنان غیرمتعهد در این پژوهش، آشنایی‌ها اتفاقی به وجود آمده بود؛ ضمن این‌که رابطه‌ها نیز صمیمانه نبودند که این مسئله با نتایج تحقیقات برزونسکی و فراری (۱۹۹۶) درباره سبک هویتی سردرگم مطابقت دارد. نتایج تحقیق مذکور نشان می‌دهد که افراد با سبک هویتی سردرگم/اجتنابی به دلیل ضعف در برقراری و نگهداری نظام‌های حمایت اجتماعی و فقدان صمیمیت، انعطاف‌پذیری و اعتماد به دیگران در روابط اجتماعی‌شان مشکلات زیادی برای خود درست می‌کنند. همین‌طور کیخسروانی و دهقانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس سبک‌های هویت» به این نتیجه رسیدند که سبک سردرگم/اجتنابی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار ابعاد کیفیت زندگی است. یکی از ابعاد کیفیت زندگی ارتباط مثبت با دیگران است. در زنان غیرمتعهد در این پژوهش نیز رابطه مثبت، سازنده و طولانی مدت دیده نشد؛ در حالی که درصد بیش‌تری از زنان متعهد، انتخاب دوست را بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده انجام داده بودند و روابط سطحی و زودگذر در آنان کم‌تر دیده می‌شد که این با نتایج تحقیقات کیخسروانی و دهقانی مطابقت دارد.

انجام پژوهش بر روی زنان دیگر با در نظر گرفتن تفاوت‌های قومیتی و فرهنگی، اجرای پژوهش بر روی جامعه وسیع‌تر، بررسی عوامل مؤثر دیگر در رابطه فرازناشویی، از جمله پیش‌نهادهای تحقیق حاضر است. هم‌چنین از آن‌جا که به دلیل ماهیت پژوهش حاضر روش نمونه‌گیری در دسترس بوده و داده‌ها از طریق خود گزارش‌دهی مشارکت‌کنندگان به دست آمده است، بنابراین باید در تعمیم نتایج احتیاط کرد.

منابع

- اکبری، زهرا، عبدالله شفیع‌آبادی و نازنین هنرپروران (۱۳۹۰). «مقایسه سبک‌های دل‌بستگی در مردان متأهل با روابط فرازناشویی و فاقد روابط فرازناشویی»، نشریه/اندیشه و رفتار، دوره پنجم، ش ۲۰.
- امیدیان، مرتضی (۱۳۸۸). *هویت از دیدگاه روان‌شناسی*، دانشگاه یزد.
- شاه سیاه، مرضیه، فاطمه بهرامی و سیامک محبی (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین رضایت جنسی و تعهد زناشویی در زوجین شهرضا»، *مجله اصول بهداشت روانی*، ش ۱۱.
- شکری، امید، عزیزالله تاجیک اسماعیلی و زهره دانشورپور (۱۳۸۹). «تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی (نقش تعهد هویت)»، *فصل‌نامه مطالعات روان‌شناختی*، ش ۳۰.
- کیخسروانی، مولود و یوسف دهقانی (۱۳۹۰). «پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس سبک‌های هویتی»، همایش منطقه‌ای روان‌شناختی کودک و نوجوان.

گیدنس، آنتونی (۱۳۹۲). *تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- Berzonsky, M. and J. Ferrari (1996). "Identity orientation and decisional strategies", *journal of individual differences*, Vol. 5.
- Berzonsky, M. D. (1986). "Identity style: Conceptualization and measurement", *Journal of adolescent research*, Vol. 4.
- Berzonsky, M. D. and C. Sullivan (1992). "Social-cognitive aspects of identity style need for cognition, experiential openness, and introspection", *Journal of Adolescent Research*, Vol. 7.
- Berzonsky, M. D. and J. Nurmi (1997). "Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well-being", *International journal of behavioral development*, Vol. 21.
- Berzonsky, M. D. and L. S. Kuk (2005). "Identity style, Psychosocial maturity, and academic performance", *Personality and individual differences*, Vol. 39, No. 1.
- Berzonsky, M. D. and, L. S. Kuk (2000). "Identity status, identity processing style and the transition to university", *journal of adolescent research*, Vol. 15, No. 1.
- Dallinger, S. L. and S. C. Dallinger (1997). "Individuality and identity exploration", *Journal of research in personality*, Vol. 31, No. 3.
- Glass, S.P. and T.L. Wright (1992). "Justifications for extramarital relationships: The association between attitudes, behaviors, and gender", *Journal of sex Research*, Vol. 29, No. 3.
- Huei, S. A., C. Lindsey and T. R. Elliot (2007). "Church attendance and marital Rcommitment beliefs of undergraduate women", *Journal of applied social psychology*, Vol. 37, No. 3.
- Krippendorff K. (2003). "Content Analysis: An Introduction to its Methodology", Sage Publications, Newbury Park.
- Merriam Webster Dictionary* (2009). London: Encyclopedia Britannica company.
- Sherwood, E. M. (2008). "Marital Strenght in canadian military couples: A ground theory approach", Unpublished doctoral dissertation, university of Calgary.
- Spanier, B. G. and L. R. Margolis (2010). "Marital separation and extramarital sexual behavior", *Journal of sex research*, Vol. 28.